

فقه حریم خصوصی

حمید شهریاری

www.ketab.ir

سرشناسه: شهریار، حمید، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور: فقه حریم خصوصی/تالیف حمید شهریار.
مشخصات نشر: تهران: حمید شهریار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۱۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۰۰-۱۱۵-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: حق صیانت از حریم شخصی (فقه)

موضوع: Privacy & Right of (Islamic law)

موضوع: حریم شخصی - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: Privacy—Religious aspects—Islam

دهبند: ۹۸/۶/ش ۹/۱۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۶۷۹۱

عنوان: فقه حریم خصوصی

تألیف: حمید شهریار

طراح جلد: حوریه قیدرلو

ناظر چاپ: انوشه صادقی آزاد

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۷

ناشر: مؤلف

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۲۲۰۰۰۰ ریال

آدرس الکترونیکی: shahriari@chmail.ir

فهرست مطالب

۹	مقدمه کتاب
۲۳	فصل اول: پیشینه فقهی بحث از حریم خصوصی
۲۳	تدمه
۲۴	۱-۱- وجوب اجازه افراد بالغ برای ورود بر والدین
۲۶	۱-۲- نفی بی‌بهره و اخصاص از مطلعین
۳۶	۱-۳- نه از رجحان حرام
۴۵	۱-۴- حرمت تجسس
۵۳	فصل دوم: تعریف حریم خصوصی
۵۵	۲-۱- معنای لغوی حریم خصوصی
۵۶	۲-۲- معنای اصطلاحی حریم خصوصی
۵۶	۲-۲-۱- حریم خصوصی: حق تنها برها بردن
۵۷	نقد و بررسی تعریف:
۵۸	۲-۲-۲- حریم خصوصی اطلاعاتی
۵۸	۲-۲-۲-۱- نوع اول: تعریف بر اساس انتظار
۵۹	نقد و بررسی تعریف:
۶۱	۲-۲-۲-۲- نوع دوم: تعریف بر اساس حالت عدم آگاهی
۶۳	نقد و بررسی تعریف
۶۷	۲-۲-۳- حریم خصوصی کنترلی
۷۰	نقد و بررسی تعریف
۷۶	۲-۲-۴- حریم خصوصی چند وجهی یا خوشه‌ای

- ۷۷..... نقد و بررسی تعریف
- ۷۹..... ۲-۲-۵- تعریف مختار حریم خصوصی
- ۸۰..... ۲-۲-۵-۱- حوزه‌های معنایی حریم خصوصی
- ۸۰..... الف- حریم خصوصی هویتی
- ۸۲..... ب- حریم خصوصی مکانی
- ۸۳..... ج- حریم خصوصی ارتباطاتی
- ۸۴..... د- حریم خصوصی افعالی
- ۸۶..... ۲-۲-۶-۲- تعریف نهایی: ادغام بخش‌های چهارگانه تعریف
- ۸۸..... خانه
- ۹۳..... فصل سوم: احکام حریم خصوصی بررسی آیات قرآن
- ۹۳..... مقدمه
- ۹۶..... ۳-۱- قرآن
- ۹۶..... ۳-۱-۱- آیه تجسس
- ۹۶..... ۳-۱-۱-۱- معنای لغوی تجسس
- ۹۹..... ۳-۱-۱-۲- کلمات مفسران
- ۱۰۳..... ۳-۱-۱-۳- اطلاق مفهوم تجسس نسبت به امور زاهری و باطنی
- ۱۰۸..... ۳-۱-۱-۴- اطلاق مفهوم تجسس نسبت به امور شرعی و حرام
- ۱۱۳..... ۳-۱-۱-۵- نسبت دلالت آیه با حریم خصوصی
- ۱۱۴..... ۳-۱-۲- آیه اذن دخول
- ۱۲۵..... ۳-۱-۳- آیه اذن دخول بالغان

- فصل چهارم: احکام حریم خصوصی: بررسی روایات ۱۲۹
- ۴-۱- دسته اول: وجوب استیذان برای ورود ۱۲۹
- ۴-۲- روایات دسته دوم: حرمت تتبع عورات ۱۴۵
- ۴-۳- دسته سوم: حرمت تتبع لغزش‌ها ۱۵۳
- ۴-۴- دسته چهارم: حرمت افشای اسرار ۱۵۶
- ۴-۵- دسته پنجم: حرمت تعجس ۱۶۰
- ۴-۶- دسته ششم: نهی از سرک کشیدن بر منزل دیگران ۱۶۴
- ۴-۷- دسته هفتم: نهی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز آوردن او ۱۷۴
- ۴-۸- دسته هشتم: حرمت هتک ستر ۱۸۷
- ۴-۹- دسته نهم: روایات سریل نگاه ۱۹۰
- ۴-۱۰- خلاصه و نتیجه‌گیری ۱۹۳
- فهرست منابع ۲۰۳
- منابع انگلیسی ۲۰۳
- منابع عربی و فارسی ۲۰۵

مقدمه کتاب

سبک زندگی به معنای شیوه و نحوه حیات و راه و رسم زندگی کردن یک شخص یا یک جامعه است و رفتارهایی که از ما در طول شبانه روز سر می‌زند به ویژه اگر تبدیل به یک عادت شده یا استمرار یافته باشند داخل در سبک زندگی هستند.

حوزه فقه یک ر با سبک زندگی ما را تعیین می‌کند چون فقه در باب رفتارهای اختیری انسان بحث می‌کند. همین رفتارها و انجام کارهای روزانه بخشی از سبک زندگی ما را تشکیل می‌دهند. البته روش انجام کار نیز داخل در سبک زندگی است که آن رونها به خود موضوعات و ویژگی‌های همان رفتارها هستند. مثلاً بخشی از سبک زندگی یک مسلمان غیر مسلمان در دنیای غرب این است که صبحها که از خواب بر می‌خیزد دست و صورت خود را می‌شوید و تمیز می‌شود. ولی سبک زندگی یک مسلمان این است که صبح که از خواب بر می‌خیزد علاوه بر آن وضو هم می‌گیرد که یک عبادت است و تمیزی او که صرفاً یک امر جسمانی است با یک حالت نفسانی معنوی هم می‌شود که در روحانیت او نیز تأثیر دارد. هر دو تمیزند ولی تمیزی یکی همراه با نیت عبادت است برخلاف دیگری. زندگی منطبق با فقه اسلامی بخشی کلیدی از سبک زندگی اسلامی است.

عقائد، دیدگاه‌ها، و حتی امیال انسانها به نوعی رابطه علیت با شیوه زندگی و رفتارهای آنان دارد. یعنی عقائد و افکار و ایده‌ها در سبک زندگی اثرگذارند از

این جهت برخی آنها را نیز داخل سبک زندگی می‌دانند.^۱ ولی شاید بتوان تفسیری از سبک زندگی بدست داد که امثال این امور را داخل در سبک زندگی ندانیم بلکه آنها را خارج و در عین حال اثرگذار در سبک زندگی بدانیم. عقائد و افکار و ایده‌ها علت ایجاد سبک زندگی خاص هستند نه بخشی از خود سبک زندگی. یک عقیده یا یک میل یا یک ایده ما را به سمت رفتاری خاص سوق می‌دهد و تنها رفتاری ما هستند که سبک زندگی ما را شکل می‌دهند. در باب ارزشها و اخلاق نیز تا حدودی همین طور است.

اخلاق نیز همانی که مربوط به اوصاف نفسانی باشد چون شجاعت، حلم، سخاوت و ... آفتاب مثل عقائد در رفتارهای انسان اثر گذارند و با آنها رابطه علیت دارند، ولی اگر اخلاق مربوط به حوزه عمل و رفتار باشد مثل کارهای شجاعانه یا رفتارهای حلیمانه یا سخاوتمندانه یا مهربانانه آنها نیز داخل در سبک زندگی هستند. در این بخش فقه و اخلاق به یک نحو در سبک زندگی دخیلند و بخشی از آن را شکل می‌دهند. زندگی فقهی و زندگی اخلاقی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. در عین حال هر یک از فقه و اخلاق از منظر خاصی به سبک زندگی می‌پردازند یکی از حیث واجب یا حرام یا ... بودن و دیگری از حیث خیر یا صواب یا خطا یا ... بودن. به همین دلیل برخی در تعریف سبک زندگی گفته‌اند نحوه زندگی کردنی که نگرشها (عقائد و ایده‌ها) و ارزشهای یک شخص یا گروه را نشان و انعکاس می‌دهد. وقتی الف ب را نشان می‌دهد یا آن را از کاس می‌دهد پس غیر از آن است مثل تابلوی ورود ممنوع که یک قانون را نشان می‌دهد. پس تابلو دلیل و راهنمایی بر آن قانون است و علت اثباتی آن است.

1. Wikipedia contributors, "Style of life," Wikipedia, The Free Encyclopedia, http://en.wikipedia.org/wiki/Style_of_life (last modified on 22 July 2013 at 19:52).

فناوری، حیات انسانها را در اجتماع کنونی دچار تغییراتی بنیادین کرده است. فناوری بر روی زندگی بشر و سبک زندگی او تأثیرات متقابل مثبت و منفی داشته است. این تأثیرات بسته به مقدار و چگونگی استفاده ما متغیر بوده است. گاهی نیز کاربرد و استفاده ما تعیین کننده نبوده بلکه ما خواسته یا ناخواسته در معرض فناوری قرار گرفته‌ایم. فناوری در عرصه‌های مختلف سبک زندگی ما را تغییر داده است از آن جمله می‌توان به عرصه‌های کشاورزی، صنعت، جنگ، حمل و نقل، اطلاعات، سلامت، ارتباطات اشاره کرد. فناوری گاهی در عوامل اجتماعی دیگر تاثیر گذارده که آنها بر سبک زندگی ما تأثیر داشتند. مثل رسانه که در حال حاضر با سهولت بیشتری به دست ما می‌رسد و خود این امر موجب تغییرات گسترده در سبک زندگی ما شده است. روی هم رفته، فناوری زندگی ما را خیلی آسان‌تر کرده و سخره‌های زندگی را کاهش داده است. در عین حال موجب آلودگی بیش از پیش محیط زیست شده و سلامت انواع گیاهی و حیوانی را به خطر انداخته است. ولی ما با استفاده از فناوری‌های جدید ابزارهای جدیدی برای حفظ محیط زیست بدست آورده‌ایم و با نگرانی از انقراض انواع گیاهی و حیوانی را تسهیل کرده‌ایم. فناوری هم سبک زندگی ما را به سلامت نزدیک کرده و هم ما را در معرض امراض قرار داده است. مثلاً بیماری‌های نوین امکان درمان سنگ کلیه پیشرفتی چشمگیر داشته است که فناوری پدیدار آن جمله است. در عین حال فناوری، انسان فعال ایستاده دو قرن پیش را به انسان سست و کم‌تحرک مبدل ساخته و امراضی را برای او به ارمغان آورده است. همان‌طور که سبک زندگی ما را چنان با دویست سال پیش متفاوت کرده که اگر سفر در زمان ممکن بود هیچ یک از نیاکان ما امروزه زندگی ما را تصور نمی‌کرد و اگر تصور می‌کرد باور نمی‌کرد و اگر باور می‌کرد تحمل نمی‌کرد. نیاکان ما سبکی کاملاً متفاوت در زندگی داشتند و زندگی امروزه ما برای آنان مقدور و میسر نیست.

تأثیر نهادهای مدنی و سازمان‌ها در سبک زندگی شهری سازمان‌های هزار سال پیش محدود بود. در قدیم یک دارالاماره بوده با چند نهاد مدنی دیگر مثل یک قاضی برای داوری و یک حکیم برای سلامت و تعدادی عسس یا گزومه که عهده‌دار امنیت دروازه و نظم شهر بودند. امروز ما با یک قوه مجریه سروکار داریم که وزارتخانه‌های متعددی دارد و در هر کدام از آنها سازمان‌های متعددی شکل گرفته و در هر یک از آنها بخشی از سبک زندگی ما شکل می‌گیرد که قبل از این چنین محیطی برای این سبک زندگی ممکن نبوده است. امروز نهادهای مدنی، ملی و فراملی نیز شکل گرفته و هر یک سبک‌هایی خاص را بر دنیای امروزین ما تحمیل می‌کنند. شرکتهای بیمه و بانکها از نوع نهادهای مدنی ملی و سازمان‌هایی چون فدرال و آی تی یو (سازمان ارتباطات جهانی) از نوع نهادهای بین‌المللی است که سبک زندگی ما را تغییر داده‌اند.

حال باید ببینیم آیا دستورات فقهی و اخلاقی نیاکان ما برای حل مشکلات و معضلاتی که امروز با آن مواجهیم کافی است؟ آداب سفر که پیش از این در کتب فقهی و اخلاقی ما می‌آمده برای امروز ما لازم است ولی آیا اینها کافی است؟ یا اندیشمندان امروز ما باید با تطبیق هر یک از این اصول پیشین متون اسلامی را واکاوی مجدد کنند تا برای نهادی چون فقه اخلاق و فقه بنویسند. برای نهادی چون بانک آداب بانکداری بنویسند. برای نهادی چون سازمان ملل اصول عدالت را تدوین مجدد کنند و آنها را از فقه ما استخراج کنند. وقتی یک فناوری جدید چون تلفن همراه به عرصه حیات بشر می‌آید و بخش وسیعی از اوقات زندگی ما را با تلفن همراه خود بسر می‌بریم، چگونه می‌توان گفت که کتابهای علمای پیشین می‌تواند برای راهنمایی سبک زندگی امروزین ما کافی باشد. آیا ما نیازمند کتابی به نام کتاب ارتباطات در فقه نیستیم؟ وقتی روزانه به طور میانگین یک ساعت و نیم از عمر یک شهروند در ترافیک و آمد و شد با ماشین می‌گذرد، آیا ما نیازمند کتابی به نام ترافیک نیستیم. آیا کتابهای پیشینیان

کافی است که در دنیای امروز سبک زندگی ما را تعیین کند؟ اگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای گستره‌ای از یک خدمت جدید را برای خرید شهروندان عرضه می‌کنند ما می‌توانیم آداب التجاره جدیدی در فقه تدوین کنیم که دستور عملی برای رفتار این سازمان‌ها با مشتریان‌شان یا عکس آن باشد؟

مثلاً آداب کسب و کار یا آداب تجارت یکی از زیر شاخه‌های کتاب التجاره در فقه است که ریشه در منابع حدیثی دارد. این بحث را می‌توان در دو حوزه تجارت سنتی و تجارت در سازمان‌های جدید دنبال کرد. کسب و کار سنتی دارای برکت بیشتری است و احکام آن نیز همین طور است. در حالی که تجارت جدید از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است. در کسب و کار سنتی معامله‌ای صورت می‌گیرد که به طور معمول صرفاً دو طرف دارد که معمولاً اشخاصی حقیقی هستند: خریدار و فروشنده. در حالی که در کسب و کار جدید مؤسسات اقتصادی فعالیت می‌کنند که شخصیت حقوقی دارند و درون خود سازمانی را طراحی کرده‌اند که طبقاتی از نیروی انسانی، بنگاه‌های کوچکتر و اجزاء سازمان در آن فعال هستند. زنجیره تأمین کالاهای مصرفی از مشاغل را به وجود آورده است که از تولید تا مصرف را پوشش می‌دهد و درون خود اجزای فراوانی دارد: مدیر، معاونان، ذی حساب، مدیر تولید، مدیر فروش، مدیر مالی، مدیر پشتیبانی، انباردار، و اجزای زیر مجموعه ایشان و بخشهای بسیار دیگر نامهایی هستند که در یک بنگاه اقتصادی وجود دارند و هر بخش آن را با یک حکم فقهی خود را دارد. بنگاه‌های توزیع کالا یا بنگاه‌های واسطه‌های فروش نیز بخشی از زنجیره تأمین کالا هستند. فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز اینک بخش رسمی از فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهند تا این که در نهایت به مصرف‌کنندگان کالا و خدمات می‌رسیم. در کنار این امور بنگاه‌هایی که ثبت و ضبط مدارک و اسناد انتقالات را بر عهده دارند نیز اضافه می‌شوند. امروز نحوه معاملات تحول شگرفی یافته است و حوزه‌هایی چون سیاست‌های دولت و قوانین و مقررات

مصوب در آن تأثیر و تأثر متقابل دارد و از این رو بررسی‌های فقهی جدید در باب آداب تجارت نیاز جوامع جدید است.

مثال دیگر در حوزه سازمان، رابطه کارگر و کارفرماست. نزدیک‌ترین بحث به این حوزه مطالبی است که در کتاب الاجاره در فقه بیان شده است. قدمای اصحاب معمولاً وقتی از اجاره بحث می‌کنند مال مستأجره را در سه فرض شایع مطرح می‌کنند اول اجیر کردن انسان دوم اجاره ملک و زمین و سوم اجاره چاه پیمان که در آن زمان وسیله حمل و نقل بوده است. علامه حلی جمعاً ۳۰ صفحه از کتاب فقه خود را به بحث از کتاب الاجاره اختصاص داده و در این میان ۵ صفحه به اجیر کردن انسان پرداخته است. عمده مطالبی که در این پنج صفحه به آن پرداخته شد ست حاوی عناوینی است از قبیل این که اجاره می‌تواند خاص یا مشترک باشد و می‌تواند فی الذمه یا معین باشد و در صورت تعیین باید چه اموری را مشخص کنند اگر لاس باشد یا تعلیم قرآن باشد یا شیر دادن باشد و این که هنگام شیر دادن - خصوصیاتش باید مورد توجه باشد و در چه شرایطی عقد اجاره قابل فسخ است. آیا اجاره کنیز یا مدبر یا ام ولد برای شیر دادن جایز است یا نه؟ اگر اجیر مریض شود اجاره چه می‌شود و اگر در اثنا خوب شد چه؟ اگر اجاره برای کندن چاه باشد چه مسأله دارد اگر به صخره‌ای برخورد کرد چه می‌شود و اگر برای بنائی باشد چه؟ و اگر آب خراب شود چه؟ اجیر کردن برای تعلیم خط و حساب و آداب جایز است و بر ما می‌ماند اشکالاتی بحث‌انگیز دارد. اجاره برای ختنه کردن یا مداوای بیماری و جامت و سرمه کشیدن و زراعت و درو کردن و آبیاری و حفظ و نقل و قصاص و راهنمایی راه و نگهداری راه و خرید لباسی خاص و سمساری از جمله مسائل طرح شده در این کتاب است. و استخدام به معنای این که خدمتکاری را برای خدمت بکار گیرد اگر مرد باشد یا اگر زن باشد حر باشد یا کنیز باشد چه احکامی دارد؟

علامه حلی در سال ۷۲۶ قمری یعنی حدود ۷۰۸ سال پیش وفات یافته‌اند. روشن است که تنها با این احکام و دستورات فقهی نمی‌توان جامعه امروز را مدیریت کرد و سبک زندگی اسلامی را شکل داد. مرحوم علامه در زمان خودشان علامه بوده‌اند و جزئیات دقیقی از رفتارهایی که در زمان خودشان ظهور و بروز داشته و در سبک زندگی مردم مصادیق فراوانی داشته توضیح داده‌اند. بنابراین کتاب قواعد علامه معیار خوبی برای سبک زندگی اسلامی برای مردم زمان خودشان بدست داده است. اما امروز چطور ما می‌توانیم با تکرار همان مطالب سبک زندگی اسلامی روزگار خودمان را تدوین کنیم و آن را به جوانان خود توصیه کنیم. آیا این کار برای یک فقیه در دوران ما کافی است؟ برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جامعه کنونی ما را شکل می‌دهند. متون فقهی ۷۰۰ سال پیش گرچه برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی امروز ما لازمند ولی کافی نیستند.

توجه کنیم که یکی از مصادیق این تغییر با مستأجر در روزگار ما رابطه کارمند و کارفرماست. حال بینیم تغییر امروزی رابطه کارمند و کارفرما در یک سازمان چه مسائلی را شامل می‌شود که فقهای ایران باید بدان پاسخی فقهی دهند تا حضور خود را در سبک زندگی امروز به منصف ظهور برسانند.

در اینجا صرفاً فهرستی از عناوینی را که هر یک موضوعی است که مسائل متعدد است و پرسشهای فقهی متعددی را ایجاد می‌کند، مد نظر قرار می‌دهیم.

۱. ایجاد فرصت‌های برابر برای استخدام
۲. توجه به سلامت کارمندان و مشتریان
۳. توجه به امنیت شغلی کارمندان و مشتریان و مصدومیت هنگام کار
۴. حفظ اطلاعات شخصی کارمندان
۵. طبقه‌بندی و درجه‌بندی کارمندان



۶. مواجهه با ضعف کارمند
 ۷. ترفیع کارمندان
 ۸. انتقال کارمندان
 ۹. حقوق و دستمزد و مزایای کارمندان
 ۱۰. پیش پرداخت یا تعویق حقوق کارکنان
 ۱۱. هزینه‌های بدی آب و هوا و هزینه‌های سختی کار
 ۱۲. بیمه کارمندی
 ۱۳. ساعات کاری کارکنان
 ۱۴. ضوابط صبح، و غیاب و تعطیلات و حق سفر
 ۱۵. مرخصی بیماری و مرخصی زایمان
 ۱۶. حضور هنگام شرایط اضطرار ملی
 ۱۷. حق مأموریت و ضوابط آن
 ۱۸. سن بازنشستگی و بازنشستگی، منگام یا اجباری یا پزشکی
 ۱۹. اخراج
 ۲۰. آداب مواجهه با مشتری ابلاغی از سوی کارکنان به کارمندان سازمان
 ۲۱. اختلافات کارمند و کارفرما، سازمان و فصل این اختلافات
 ۲۲. انتخاب کارمند از سازمان رقیب
 ۲۳. وظایف سهامداران سازمان
 ۲۴. پرداخت غرامت ضرر و زیان وارده به کالا و خدمات و به کارفرمای مشتری^۱
- در باب هر یک از این عناوین باید توضیحاتی داد تا معلوم شود که کارمندان و کارفرمایان سازمان‌های جدید چه پرسش‌هایی از علمای فقه دارند. اینها اموری

۱. Civil Service Management Code نام منشوری است که اصول اخلاقی رابطه کارگر و کارفرما در آن تبیین شده است. این اثر در سال ۲۰۱۳ به چاپ رسیده است. متن این منشور در پایگاه اطلاع رسانی به آدرس <http://www.civilservice.gov.uk> موجود است.

است که برایشان قانون تصویب می‌کنیم در حالی که اینک هیچ راهنمای عمل مدونی برای اغلب مباحث فوق و نیز برای قانون‌گذاران به صورت مدون وجود ندارد. عالمان فقه موظفند به مسائل فقهی این موضوعات پردازند و راهنمای عمل برای زندگی در دوران جدید را در هر یک از این دسته مباحث تدوین کنند و در برابر پرسشها و مسائل جدید پاسخگو باشند. اگر قائلیم که فقه اسلامی برای سراسر حیات شرعیه باید این راهنمایی را مدون کنیم و در دسترس مردم قرار دهیم این کاری است که علامه حلی در زمان خود و برای زمان خود انجام داده بود.

امروز در بیای بیاب شاهد آنیم که در تبیین آداب و سبک زندگی جدید در حال تدوین انحصاری از دستو العمل‌ها هستند تا شهروندان خود را به سمت و سوی یک سبک زندگی لایزال هدایت کنند. آیا در این حال برای مقابله با تفکر لیبرالیستی تکلیفی متوجه شما ان اسلامی نیست؟

وظیفه عالمان امروز بسی دشوار است اولین وظیفه آنها این است که گفته‌های پیشینیان را از طرق سنتی در دست میهم کنند تا بتوانند مجهز به دانش اصول فقه و دانش فقه پیشینیان گردند. روش سنت اسلامی را بشناسند تا در مواجهه با موضوعات جدید دچار انحراف از سنت اسلام نشوند و آرای خود را به دلخواه با محتوای دینی مخلوط و ممزوج نکنند و در دست سنت را یاد بگیرند و تعلیم دهند.

ولی وظیفه امروز روحانیت به این ختم نمی‌شود. دومین وظیفه آنها این است که باید موضوعات نوین در سبک زندگی جدید را به خوبی فهم و درک کنیم تا بتوانند احکام فقهی و ارزشهای اخلاقی آنها را تدوین کنند. این که افراد باید با یکدیگر چه نوع رفتاری داشته باشند با این که افراد باید با سازمانی که در آن کار می‌کنند چه رفتاری داشته باشند کاملاً دو مقوله مجزا و در عین حال مرتبط است. این که آداب تجارت فردی یا اجاره فردی چیست کاملاً مجزای از فهم و تدوین

اصولی کاربردی در فقه و اخلاق مدیریت مالی یک سازمان و در عین حال مرتبط با آن است. ما باید علاوه بر بررسی مسائل در کتابهایی که در ۷۰۰ سال پیش نوشته شده، دستورات فقهی و اخلاقی جدیدی را برای اموری چون سازمان های جدید و حوزه فناوری های جدید تدوین کنیم. اینها نیازمند واکاوی جدید است.

نتیجه آن که اولاً متون فقهی ۷۰۰ سال پیش گرچه برای تدوین سبک زندگی اسلامی امروز ما لازمند ولی کافی نیستند. ثانیاً برای تدوین سبک زندگی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جاهل کنونی ما را شکل می دهند.

در حدیث رتق: «امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

أبو علي الآدمري عن ابن فضال عن ابن بكير عن عثمان بن عيسى عن سعيد بن يسار عن منصور بن يونس عن أبي عبد الله ع قال: في حكمة آل داود علي العاقل أن يكون عارفاً بزمانه^۱ مقبلاً علي شأنه^۲ - مظلماً للسانه^۳.

امام صادق علیه السلام فرمود:

در حکمت آل داود است که عاقل باید زبانش را بشناسد و متوجه کارهایش باشد و زبان خود را نگاه دارد.

در حدیث مرفوعی از امام صادق علیه السلام آمده است که: العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس^۴.

یعنی کسی که به زمان خویش آگاه باشد شبهات بر او هجوم نیاورند.

۱. همین حدیث در نقل و مسائل از کافی آمده عارفاً باهل زمانه در خود کافی نیز در حدیث دیگری آمده است قال أبو جعفر في حكمة آل داود ينبغي للمسلم أن يكون مالكا لنفسه مقبلا علي شأنه - عارفاً بأهل زمانه (الكافي، ج ۲، ص ۲۲۴) اگر این نقل درست باشد استدلال فوق نیازمند مقدمات دیگری است.

۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الكافي، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳. الكافي، ج ۱، ص ۲۶.